

# قائم مقام فراهانی

## زندگی و آثار

نرگس کلاکی

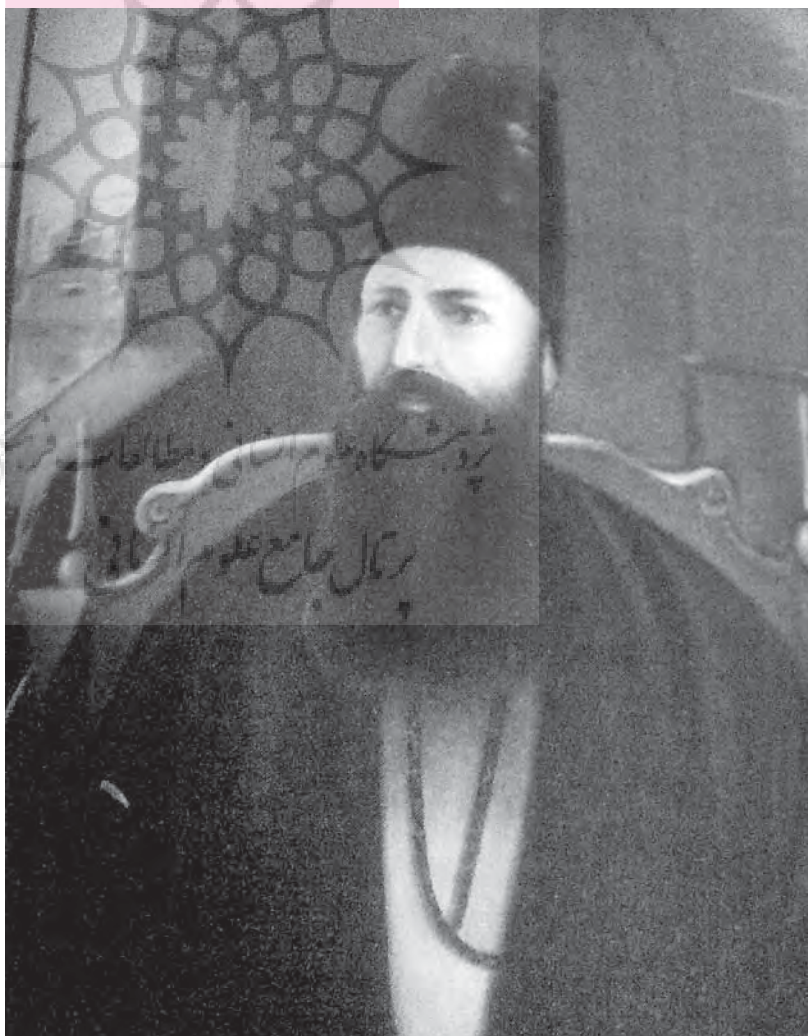
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

در سال ۱۲۲۴ ق به فرمان فتحعلی شاه راهی آذربایجان شد و اوضاع آنجا را سر و سامان داد. این امر سبب رضایت‌مندی شاه از وی گردید. این پدر بعدها سمت خود را که وزارت عباس میرزا بود به پسرش **میرزا حسن** واگذار کرد اما از آنجا که میرزا حسن در سال ۱۱۲۶ فوت کرد، قائم‌مقام بزرگ، پسر دیگر خود **میرزا ابوالقاسم** را که در تهران نایب وی بود و امور مربوط به نیابت سلطنت و پیشکاری آذربایجان را انجام می‌داد، از تهران خواست و به وزارت نایب‌السلطنه، منصوب کرد (مصاحب، ج ۲). او پس از فوت پدر، عهده‌دار وزارت مخصوص **نایب‌السلطنه، عباس میرزا** و در سال ۱۲۳۸ ق به لقب «قائم‌مقام» مفتخر شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۱۷).

قائم‌مقام چندی در دفتر عباس میرزا ولیعهد، به نویسندگی اشتغال ورزید و در سفرهای جنگی با او همراه شد. او نظم و نظامی را که پدرش میرزا بزرگ آغاز کرده بود، ادامه داد و با کمک مستشاران فرانسوی و انگلیسی سپاهیان ایران را منظم کرد. همچنین، در بسیاری از جنگ‌های ایران و روس شرکت داشت.

قائم‌مقام تا دو سال بعد از فوت پدرش با درایت و کاردانی در خدمت عباس میرزا انجام وظیفه کرد اما دشمنان او و در صدر آنها انگلیس توانستند با توطئه سیاسی، وی را از عباس میرزا جدا کنند. در این فاصله، قائم‌مقام فرصتی یافت به کارهای ادبی هم بپردازد. در سال ۱۲۴۱ ق هنگامی که قائم‌مقام در مشهد به سر می‌برد، **فتحعلی شاه** به علت وخامت اوضاع آذربایجان، پیشخدمت خاصه خود، **فرخ‌خان کاشی**،

میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی، فرزند سیدالوزرا میرزا عیسی، مشهور به «میرزا بزرگ»، از سادات حسینی، در سال ۱۹۳ ق در «هزاوه» فراهان اراک متولد شد. اجداد وی صاحب علم بودند و سال‌ها در دربار سلاطین سلسله‌های حاکم در ایران خدمت کردند. پدر میرزا ابوالقاسم را مردی زیرک و مدبر، مقرراتی، منضبط، دل‌سوز و پاک‌دامن شمرده‌اند. او



قائم‌مقام فراهانی

را به عذرخواهی از قائم مقام و تقاضای اغماض از گذشته به مشهد فرستاد و او را مجدداً به تهران دعوت کرد. بعد هم با اعطای سمت‌های قبلی، او را به آذربایجان روانه کرد.

این دوران مصادف بود با تحریک انگلیسی‌ها و عوامل آنان برای شروع دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه که قائم مقام و عباس میرزا مخالف آن بودند (ساسانی، ص ۱۸). قائم مقام بعد از مدتی به خاطر توطئه انگلیسی‌ها دوباره به مشهد تبعید شد اما با وخیم شدن اوضاع آذربایجان، فتحعلی شاه مجدداً وی را به خدمت طلبید و با دادن نوشته‌ای، او را روانه آذربایجان کرد که نتیجه آن انعقاد «معاهده ترکمنچای» بود. عباس میرزا در اقدامی رسمی، میرزا ابوالقاسم فراهانی را به عنوان نماینده انتخاب کرد تا درخواست صلح را به پاسکویچ تسلیم کند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۶۶۱). او در این زمان، تمام وقت در خدمت عباس میرزا بود تا اینکه او از دنیا رفت و قائم مقام، وزیر پسر وی، محمد میرزا، شد (مشیری، ۱۳۴۷: ۲۴).

گرچه دوره صدارت قائم مقام بعد از جلوس محمدشاه به تخت سلطنت آغاز می‌شود اما وی عملاً از هنگام فوت عباس میرزا و انتخاب محمدمیرزا به ولیعهدی، به رتق و فتق امور او مشغول بوده است. هنگام مرگ فتحعلی شاه، محمدمیرزا به همراه قائم مقام در هرات بودند که با شنیدن خبر مرگ شاه، به مشهد عقب‌نشینی و به تهران بازگشتند. محمدمیرزا با پشتکار قائم مقام به تخت پادشاهی نشست. محمدشاه نیز به پاس این خدمت ارزشمند، مقام صدراعظمی را به قائم مقام اعطا کرد اما وی بعد از صدراعظمی، کماکان عنوان قائم مقامی خود را حفظ کرد. محمدشاه و قائم مقام در رمضان سال ۱۲۵۰ ق از تبریز به تهران حرکت کردند و تا صفر سال ۱۲۵۱ ق (که محمدشاه قائم مقام را از

صدرات خلع و به قتل رساند) صادقانه و با کمال حسن نیت به خدمت‌گذاری مشغول بود. وی برای تحکیم پایه‌های قدرت محمدشاه زحمات فراوانی متحمل شد (آدمیت، ۱۳۵۴: ۲۰۳).

قائم مقام در دانش و فرهنگ، جایگاهی به مراتب بالاتر از دنیای سیاست دارد. وی ادیبی فاضل، منشی زبردست و شاعر بود و در نثر فارسی سبکی تازه داشت که در روانی کم نظیر است (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴: ۲۵۴). او اولین کسی است که شیوه انشای قدیم را تغییر داد و به اختصار در آورد و الفاظ غیر مأنوس و جملات مغلق را از میان برداشت. قائم مقام بر ادبیات عرب، علم ادب، انشا، خطابه، نظم و نثر عرب و فارسی کاملاً مسلط بود.<sup>۳</sup>

تألیفاتی از او به جا مانده‌اند، از جمله «منشآت» که از فایده‌های علمی، ادبی و تاریخی بالایی برخوردار است و حاوی مکتوبات و نوشته‌های اوست. از دیگر آثار وی **جلالیرنامه** است که در قالب مثنوی و فکاهی و انتقادی (انتقاد اوضاع درباریان و نقایص لشکری و کشوری) است. قائم مقام آن را به نام جلالیر (غلام خود) نظم کرده است. سایر تألیفات وی عبارت‌اند از «رساله جهادیه، دیوان اشعار و رساله عروضیه» (پناهی سمنانی، ۱۳۷۶: ۱۱۵۱). «فتح‌نامه» نخستین کتابی است که در ایران چاپ شد.<sup>۴</sup> این کتاب به زبان عربی و موضوع آن جنگ‌های ایران و روس بود و حوادث را تا زمان انعقاد عهدنامه گلستان (۱۸۱۳ م / ۱۲۲۸ هـ.ق) دربر می‌گرفت.

سرانجام قائم مقام در روز ۲۴ صفر سال ۱۲۵۱ ق هنگام غروب آفتاب، از طرف محمدشاه احضار و در زیرزمین کاخ گلستان به مدت پنج یا شش روز حبس شد (فلسفی، ۱۳۷۳: ۲۰۲) و در شب بیست‌ونهم همان ماه او را خفه کردند و جسدش را شبانه به حضرت عبدالعظیم بردند و جنب مقبره شیخ ابوالفتح رازی،

بدون غسل، به خاک سپردند. به امر شاه، فرزندان، بستگان و هوادارانش نیز دستگیر شدند. عده‌ای از آنها کشته و عده‌ای در اماکن مقدسه پناهنده شدند که اموال آنها نیز ضبط شد.<sup>۵</sup>

#### پی‌نوشت

۱. جونز، ص ۷۶-۷۷
۲. خورموجی، ص ۱۱-۱۲
۳. نک: اعتمادالسلطنه: ۱۴۳-۱۴۴
۴. البته باید خاطر نشان کرد که مرحوم تربیت در مجله تعلیم و تربیت، اولین کتاب چاپ شده در ایران را «جهادیه» میرزا عیسی، قائم مقام بزرگ، می‌داند (نک: تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱، ص ۱۳-۲۱۱).
۵. نک: سپهر، ۲/ ۳۹-۳۷

#### منابع

۱. سرهاردفور، جونز. آخرین روزهای لطفعلی خان زند. ترجمه هما ناطق. امیرکبیر. تهران. ۱۳۵۳.
۲. خورموجی، محمدجعفر، حقایق‌الخبار ناصری. به کوشش حسین خدیوجم. نشر نی. تهران. چاپ دوم. ۱۳۶۳.
۳. مشیری، محمد. شرح مأموریت آجودان باشی. چاپ‌خانه علمی. تهران. چاپ اول. ۱۳۴۷.
۴. سپهر، محمدتقی. ناسخ‌التواریخ (ج ۱). امیرکبیر. تهران. چاپ اول. ۱۳۴۹.
۵. ساسانی، خان‌ملک. سیاستگران دوره قاجار (ج ۲). بابک. تهران. بی‌تا.
۶. آدمیت، فریدون. امیرکبیر و ایران. خوارزمی. تهران. چاپ چهارم. ۱۳۵۴.
۷. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. صدرالتواریخ. تصحیح محمدمشیری. انتشارات روزبهان. تهران. چاپ دوم. ۱۳۵۷.
۸. پناهی سمنانی، قائم مقام فراهانی. ندا. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۶.
۹. فلسفی، بهرام. قائم مقام در آیین زمان. کتاب آفرین. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۳.
۱۰. محبوبی اردکانی، حسین. تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. انتشارات دانشگاه تهران. تهران. ۱۳۷۶.
۱۱. مدرس تبریزی، محمدعلی. ریحانه‌الادب. انتشارات خیام. تهران. ۱۳۷۴.
۱۲. دایرئ‌المعارف تشیع. مقاله فرشته خطیبی (ج ۳). ۱۳۷۶.
۱۳. لغت‌نامه مصاحب (ج ۲).
۱۴. براون، ادوارد. تاریخ ادبیات ایران. ترجمه بهرام مقدادی. انتشارات مروارید. تهران. ۱۳۷۵.
۱۵. خاوری شیرازی، فضل‌الدین عبدالنبی. تاریخ ذوالقرنین. ناصر افشارفر. تهران. ۱۳۸۰.